



قال فرہنگی
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراہیمی

جوان گناہکار و بی احترامی به پدر

امام حسین^(ع) در حدیثی به این مضمون فرمودند که در شبی تاریک به همراه پدرم (امیرالمؤمنین^(ع)) در مسجدالحرام مشغول طواف بودم. در این هنگام صدای دردمند و حزین مردی به گوش رسید که چنین ناله می کرد: «ای خدایی که دعای گرفتاران را در تاریکی ها می شنوی، ای خدایی که گرفتاری ها و بلاها را رفع و بیماری ها را برطرف می کنی، اینک مهمان هایی دور خانه ات گرد آمده اند که تعدادی از آن ها خفته اند و عده ای دیگر بیدارند و به درگاهت دعا و استغاثه می کنند. اما دیدگان توبه خواب نرفته است. از تومی خواهم به فضل و جود و کرم، از جرم و گناه من درگذری و مرا عفو فرمایی! ای پروردگاری که خلاق به سوی خانه اش روی آورده اند. اگر عفو و بخشش تو شامل گناهکاران نشود، پس چه کسی باید گناهکاران را مشمول عفو و بخشش قرار دهد؟»

امیرالمؤمنین علی^(ع) با شنیدن این ناله ها به من فرمود: «به میان جمعیت برو و او را پیدا کن و نزد من بیاور».

من او را یافتم و نزد پدر آوردم. امیرالمؤمنین^(ع) از سبب گریه و استغاثه اش پرسید. جوان پاسخ داد: «حال و روزگار من، حال و روزگار شخصی است که به پدر بی احترامی کرده و گرفتار عاق والدین و بلا و گرفتاری شده است و به همین دلیل، دعای او مستجاب نمی شود». امیرالمؤمنین^(ع) علت را جویا شد. جوان پاسخ داد: «من در زندگی به لاابالگیری و خوش گذرانی و انجام گناه و معصیت مشغول بودم، اما پدر مهربان و دلسوزی داشتیم که همواره مرا از ارتکاب گناهان برحذر می داشت و از کيفر آتش جهنم می ترساند. در هنگام موعظه و نصیحت او، بروی خشم و غضب می کردم و او را کتک می زدم. روزی از روزها تصمیم گرفتم پولی را که در جایی مخفی کرده بودم، بردارم و در راه گناه و معصیت و خوش گذرانی صرف کنم، اما پدر مرا از این کار بازداشت و جلوی مرا گرفت. من با گستاخی او را کتک زدم و دستش را پیچاندم و او را به گوشه ای پرت کردم و کیسه پول ها را برداشتم. پدرم خواست از روی زمین برخیزد، اما از شدت درد و ناراحتی نتوانست و درحالی که نالان روی زمین افتاده بود، مرا نفرین کرد و از خدا خواست همان گونه که من دست او را پیچاندم، خدا نیز دست مرا پیچاند و سوگند خورد که به بیت...الحرام می رود و از من نزد خدا گلايه و شکایت می کند. او چند روز، روزه گرفت و پس از خواندن نماز و دعا به طرف شهر مکه روانه شد و پس از طواف دور کعبه به پرده های خانه خدا چنگ زد و مرا نفرین کرد و از خدا خواست تا نیمی از بدن من خشک و فلج شود. هنوز دعای او تمام نشده بود که در بدنم، احساس سستی کردم و نیمی از آن فلج شد».

آن گاه آن جوان، نیمه راست بدن خود را که فلج شده بود، نشان داد. سپس ادامه داد: «اینک سه سال است که از این ماجرا می گذرد و من در این مدت، بارها از پدرم خواسته ام به این مکان مقدس بیاید و برای من دعا کند و شقای مرا از خدا بخواهد. اما او به خواسته من عمل نمی کرد تا اینکه بالاخره امسال به این عمل راضی و روانه شهر مکه شد. اما در میان راه از دنیا رفت. اینک من تنها به مسجدالحرام آمده ام و از رفتارم در بی احترامی به پدر، به درگاه خدا طلب توبه کرده ام و شقای خود را خواستارم. بدتر از آن، این است که دربین مردم، رسوا شده ام و آنان مرا این گونه به همدیگر معرفی می کنند: این جوان، شخصی است که به پدرش بی احترامی کرده و به نفرین او گرفتار شده است».

در این هنگام امیرالمؤمنین^(ع) به جوان فرمود: «اینک، وقت نجات تو فرارسیده است. وقتی ناله های جاسوز تو در پیشمانی از بی احترامی به پدر و توبه و طلب بخشش تو را از درگاه خداوند شنیدم، دلم برایت به رحم آمد. اکنون دعایی به تو می آموزم که پیامبر خدا^(ص) به من آموخت. در آن دعا، اسم اعظم خدا و جود دارد و شخصی که آن را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب و خواسته اش را برآورده می کند و اندوه و غم را از او می زداید و گرفتاری هایش را برطرف می سازد. ولی باید تقوای الهی در پیش گیری و مراقب باشی که در وقت خواندن این دعا، عیب و تکبر و خود بینی بر تو چیره نشود. در هنگام خواندن این دعا، باید نیت تو صادق باشد و آن را در راه معصیت خدا به کار نبری و تنها به کسانی که به ایمان آن ها مطمئن داری، بیاموزی. اگر نیت خود را در هنگام خواندن این دعا خالص کنی، دعای تو مستجاب می شود و پیامبر اکرم^(ص) را در خواب خواهی دید. درحالی که آن حضرت، تو را به استعجابت این دعا و به بهشت بشارت می دهد».

سپس امیرالمؤمنین^(ع) آن دعا را به جوان تعلیم داد. امام حسین^(ع) فرمود: «خوشحالی من از آموختن این دعا، بیشتر از خوشحالی آن مرد برای کسب سلامتی اش بود».

منبع: علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۹۵-۳۹۸

شرح حدیث

معیار ازدواج



بزرگداشت مناسبت ها به خصوص روزهای پرپرکتی مانند روزهای میلاد ائمه اطهار^(ع) و سالگرد آن ها برای شکرگزاری، لطفی است که خداوند متعال در این روز بر ما روا داشته و چنین فرد عزیز و شریفی را برای رحمت و راهنمایی میان ما فرستاده است. امروز روز میلاد امام جواد^(ع) عزیز امام هشتم^(ع) است؛ فردی که هر وقت ما اهالی مشهد کارمان گره می خورد، امیدواریم به واسطه وجودش، خداوند گره از کار ما باز کند. شکرگزاری و سپاس از فیض و جود بزرگان، می تواند صورت های مختلفی داشته باشد.

خواندن درباره اندیشه ها و باورهای آن ها و عمل به توصیه هایشان، می تواند شکر نعمت وجود ایشان باشد و بهترین راه برای آشنایی با باورهای آن بزرگان، خواندن سخنان به جامانده از آن هاست تا بتوانیم مثل ایشان نیز رفتار کنیم. امروز به یک سخن از امام جواد^(ع) اشاره می کنیم و در شرح و تفسیر آن می کوشیم، روزی ایشان، نامه ای از یکی از اصحاب خود دریافت کردند که در آن مسئله ای پرسیده شده بود. «حسن بن بشارة، نویسنده این نامه بود. او از نکاح و معیار صلاحیت فرد برای ازدواج پرسیده بود که «در هربرهه از تاریخ زندگی انسان، ازدواج و تشکیل زندگی، مسئله ای مهم است؛ چون باز ازدواج نه تنها به آرامش می رسیم که گاهی ممکن است با انتخاب نادرست و نداشتن ملاک های مناسب، سختی و دشواری را به زندگی خود وارد کنیم». ایشان در جواب یار خود می فرمایند: «مَنْ حَظَّ بِالْإِیْکُمْ فَرَضِیْشُمْ دِیْنَهُ وَ اَمَانَتَهُ فَرَوْحُهُ، لِأَنْفَعْلُوهُ تَکُنْ قِنْتَهُ فِی الْأَرْضِ وَ فَسَادَ کِبَرُ؛ اگر فردی پیش شما به خواستگاری آمد و دین و امانتداری او را پسندیدید، تزویج کنید. اگر چنین نکنید، در روی زمین، فتنه و فساد بزرگ برپا می شود». معیار و ملاک مناسب در ازدواج، ضامن استمرار پیوند زناشویی و استحکام بنیان خانواده است.

آنچه در متون اسلامی به عنوان «معیار» در همسرگزینی مطرح است، عبارت است از سنجش میزان و حتی سبک دین داری فرد، اخلاق شایسته، زمینه و چگونگی سطح خانوادگی فرد که نه تنها والدین و لقمه ای که فرد در آن خانواده با آن پرورش یافته، مهم است که سبک زندگی که تربیت و با آن آموخته شده است، نیز مهم است. تقوا و ایمان و ویژگی هایی مانند زیبایی و تمکن مالی نیز نمی تواند معیار اصلی ازدواج قرار گیرد که از ویژگی های ناپایدار هستند و انکالی به آن ها نمی توان کرد.

توصیه امام این است که اگر خواستگار، دین دار و امین بود، موافقت کنید و ازدواج را سامان دهید؛ وگرنه مفسده های بزرگ پدید می آید و خوب است برای مسائل مهم زندگی خود به سخنان ائمه اطهار^(ع) مراجعه کنیم که درمورد مسئله ازدواج در سخنان آنان، راهنمایی های کاربردی و مناسبی مطرح شده است؛ چنان که خداوند هم در قرآن، توصیه به تزویج می کند و وعده می دهد که اگر فقیر و تنگدست هم باشید، خداوند از فضل خویش، آنان را بی نیاز می کند. (نور، ۳۲).

منبع حدیث: من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳.



شهرانه نیوز
شاهارانه نیوز
۱۴



همه آنچه باید درباره طلاق عاطفی بر اساس آموزه های دینی بدانیم

خیلی دور، خیلی نزدیک

آئنه مستقیم! درکنار آمارهای طلاق و جدایی که اعلام می شود و بارهای مختلفی را بر خانواده و جامعه تحمیل می کند، بسیاریاند طلاق هایی که اسمشان عاطفی است و اگرچه شکل وشمایل رسمی ندارند، شاید به مراتب بدتر از آن ها هم باشند؛ چون هم همسران هم فرزندان را در بلاتکلیفی نگه می دارند. در آموزه های دینی، طلاق های عاطفی دلایلی دارند که رفع آن ها خانواده را از این معضل نجات می دهد. برای بررسی مهم ترین این عوامل با حجت الاسلام والمسلمین محسن ادیب بهروز، استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس مذهبی، گفت وگو کرده ایم.

راه مقابله با طلاق های عاطفی

اگر بخواهیم از وقوع طلاق های عاطفی به عنوان معضلی که روبه افزایش است پیشگیری کنیم، براساس نظام الهی، توصیه می شود چه خانم ها چه آقایان حریم ها را با جنس مخالف، در بیشترین حد رعایت کنند. وقتی ما با عوامل بی شمار تنش زا در زندگی مشترک مواجه باشیم، اگر علاقه و عاطفه ای بین همسران باشد، این تنش ها هیچ گاه به طلاق عاطفی ختم نمی شود.

مشکلات زوجین زمانی تنش زامی شود که علاقه بین آن ها از بین برود و دلیل از بین رفتن این علاقه، ارتباط با جنس مخالف حتی در کمترین میزان خود است؛ گرچه به اسم رابطه کاری، دوستی و... باشد. حداقل ها هم بهره های عاطفی دارد و می تواند فرد را به مرحله جاذبگری برساند، چون مقایسه می کند؛ برای مثال قطور همکارم با من خوب و محترمانه برخورد کرد اما همسرم چنین نمی کند. درحالی که متوجه نیستیم ماهیت زندگی مشترک، با روابط دوستی و همکاری متفاوت است وهریک اقتضائات رفتاری خود را دارد.

شاه کلید مودت و علاقه بین زوجین

قبل از ازدواج باید مقدماتی درنظر گرفته شود. اسلام بر کفویت تأکید می کند؛ یعنی خانم ها و آقایان در انتخاب خود باید این نکته را لحاظ کنند. در ادبیات حدیثی، این کفویت معنایی عمیق دارد و راهکاری اساسی است تا افراد ازدواج موفق داشته باشند. در نظام الهی، فردی که با هم کفو خود ازدواج کند، حتی در ذهنش نیز به همسر دوم فکر نمی کند و این مسئله ازاساس منتفی می شود. چون وقتی همسر هم کفو انسان باشد، در تعدد همسران، نمی توان و نمی شود عدالت را برقرار کرد؛ به همین دلیل است که چون درمیان همسران پیامبر^(ص) فقط حضرت خدیجه^(ص) هم کفو ایشان بودند، حضرت رسول^(ص) تا زمان حیات آن بانو، همسر دیگری اختیار نکردند و امیرالمؤمنین^(ع) نیز در زمان حیات فاطمه زهرا^(ص) چنین نکردند؛ چون در صورت وجود همسر هم کفو، اگر قرار باشد نفر دومی بیاید، اجرای عدالت غیرممکن خواهد بود. درواقعیت موجود که بسیاری از افراد بدون کفویت باهم ازدواج می کنند، خداوند از سر لطف و رحمت میان آن ها علاقه ایجاد می کند و راه هایی وجود دارد که این علاقه باقی بماند و به طلاق عاطفی ختم نشود. این راه ها باید بررسی و ترویج و تبلیغ شود. آموزه های دینی به خوبی این روش ها را تشریح و تبیین کرده اند.

حجت الاسلام والمسلمین ادیب بهروز:

اگر بخواهیم از وقوع طلاق های عاطفی به عنوان معضلی که رو به افزایش است پیشگیری کنیم، براساس نظام الهی، توصیه می شود چه خانم ها چه آقایان حریم ها را با جنس مخالف، در بیشترین حد رعایت کنند.



عواقب رابطه با جنس مخالف برای زندگی تأملی

آقا یا خانمی که این تنهایی طولانی با جنس مخالف را در محل کار، تحصیل یا... تجربه می کند، وقتی وارد منزل می شود، ناخودآگاه (یا خودآگاه) شروع به مقایسه ذهنی بین همسر خود با آن جنس مخالف می کند. در این مقایسه ها بسیار طبیعی و عادی است که همسر خود را با کاستی ها و نواقصی می بیند. باید توجه کرد که ماهیت زندگی مشترک اقتضای کند برخی اختلاف سلیقه ها عمیق شود و همین موضوع، بستر تنش و درگیری را فراهم می کند، اما وقتی موضوع زندگی مشترک مطرح نیست، هر قدر هم تفاوت و نقص باشد، غالباً بروز نمی کند و به چشم نمی آید؛ یعنی خیلی وقت ها روابط ایجاد شده در بستر غیرازدواج، به دلیل پنهان بودن نقص هاست که شکل می گیرد و ادامه می یابد.

اینجاست که فرد نمی داند همین جنس مخالفی را که صاحب کمالات و بدون نقص می بیند، در زندگی مشترک و زیر یک سقف، چه ایرادهایی می تواند داشته باشد؛ چون خواش نیست که اقتضای زندگی مشترک، بروز نواقص است. امام باقر^(ع) درباره خصوصیات جامع یک شیعه (فرد الهی) می فرمایند: «مراقب باشید شهوتان را در علقه و دل بستگی غیرخانواده به کار نبرید». این یعنی قرار گرفتن در روابط اجتماعی، باز به اسم دوستی و دیگر عناوین، باعث می شود ناخودآگاه تمایلات جنسی ولو نامحسوس بروز کند؛ اینکه تأکید شده است تمایل جنسی به غیر همسر خود نداشته باشید. برای آن است که دربی چنین روابطی، در زندگی خانوادگی، نقص ها برپایان بزرگ و تحمل ناپذیر می شود.

جرقه ای که روابط زوج ها را سرد می کند

وقتی دونفر از دو فرهنگ مختلف و تفکر و نگرش متفاوت با هم ازدواج می کنند، به تدریج دچار اختلاف هایی می شوند و این اختلاف ها منتظر جرقه است تا به سرد مزاجی و بی تفاوتی و طلاق عاطفی ختم شود؛ جرقه ای که با ارتباط با جنس مخالف، زده می شود اما اگر حریم ها رعایت شود، دست کم زمینه ای فراهم نمی شود که اختلاف زوجین، به سردی و طلاق عاطفی ختم شود.

برای مثال عامل مهمی در خانواده به اسم اقتصاد داریم که گاه مشکلاتی را ایجاد می کند و این مشکلات باعث می شود همسران دچار تنش و درگیری شوند، اما تا وقتی علقه و عاطفه (حتی کم رنگ و حداقلی) بین همسران باشد، می توان از مشکلات اقتصادی عبور کرد. درمقابل، وقتی این علقه حداقلی در سایه ارتباط عاطفی با جنس مخالف کور شود، مشکلات اقتصادی را غولی می بینیم که برای رهایی از آن، همسر خود را کنار می گذاریم. وقتی خلأهای زندگی در رابطه موازی با جنس مخالف جبران شود، آقا یا خانم، دیگر تمایلی به همسر خود ندارد و با یک جرقه، این عاطفه به صفر می رسد.

راه آرامش روحی پیوسته

وقتی فلسفه ازدواج یا شیوه ازدواج صحیح را در نظام الهی جست و جو می کنیم، با راهکارهای متعددی مواجه می شویم که حداقل یکی از آن ها، به خوبی دلیل ازدواج و تشکیل خانواده را بیان می کند؛ آنجاکه خداوند در آیه ۲۱ که سوره مبارکه روم می فرماید: «و از نشانه های او این است که [از نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، بی شک نشانه هایی است». مفاد و مفهوم این آیه، آن است که خدای متعال ازدواج را راهکاری قرار داده است که خانم ها و آقایان در آرامش روحی پیوسته قرار بگیرند.

برپایه نظام الهی، بین همسران و زوجین به تدریج علقه و دل بستگی ایجاد می شود که عواملی بر آن تأثیر می گذارد تا در بستر ازدواج، چنین فضای عاطفی ای بین زوج ها شکل بگیرد، اما با وجود چنین هدفی، در نقطه مقابل مشاهده می کنیم که این علقه بین زوجین، یا به صفر می رسد یا بسیار کم رنگ می شود.

وقتی علاقه صفر می شود

برپایه آموزه های نظام الهی، عوامل مختلفی وجود دارد که باعث می شود این علقه ای که خدای متعال برای زوجین درنظر گرفته است، به نابودی یا اصطلاح امروزی طلاق عاطفی برسد. طلاق عاطفی یعنی صفر شدن این علاقه و مودت بین زوج ها در چنین حالتی، زن و شوهر به زندگی مشترک خود ادامه می دهند و روابطشان با طلاق های رسمی تفاوت دارد. اما در عین تداوم زندگی، علقه ای بین آن ها نیست و این بسیار خطرناک است.

در نظام الهی، این آسیب عوامل و ریشه های بسیار دارد، اما دو عامل از باقی عوامل، مهم تر و پررنگ تر است و نقش کلیدی دارد، در روایتی از پیامبر^(ص) آمده است: «چند رفتار باعث می شود قلب دچار آلودگی شود». تعبیر روایت، مفسده قلب است؛ یعنی آلودگی؛ یعنی قلبی که خلوص و صفانداری، به تعبیر حضرت رسول^(ص)، از نمونه این رفتارها عبارتند از: قرار گرفتن آقایان و خانم ها در محیطی تنها؛ تنهایی ای که استمرار دارد و طولانی مدت است. پیامبر^(ص) در ادامه می فرمایند: «در این خلوت، از یکدیگر استفاده غریزی و عاطفی می برند». این بهره مندی یا هوشمندانه یا غیرهوشمندانه است که با تصور دوستی و امثال آن عمل می کنند. در ادامه حدیث آمده است: «و در این خلوت تحت تأثیر نظر جنس مخالف هم قرار می گیرید!».

چرا فضای مجازی، بلای جان همسران شده است؟

نوع اطلاعاتی که داریم، در توقعات ما از جنس مخالف بسیار مؤثر است. لذا در نظام الهی ما معتقدیم هر نوع اطلاعاتی که به دست می آوریم، باید دارای فیلتر باشد؛ چون اگر این اطلاعات فیلتر نشود، میزان توقع ما از جنس مخالف و همسر، غیر عادلانه می شود و برخلاف استعداد و قابلیت و شخصیت همسرمان از او توقعاتی پیدا می کنیم که توان برآورده کردن آن ها را ندارد. وقتی برخلاف شخصیت و صفات همسرمان، از او توقع پیدا کنیم، بی تردید به آن ها پاسخ داده نمی شود و وقتی به توقع ما پاسخ داده نشد، اختلاف ها بروز می کند و آن گاه بر اثر یک اتفاق کوچک، تنش های عمیق رخ می دهد؛ چون از قبل در ذهن من اطلاعاتی وارد شده است که می گوید همسرت باید چنین و چنان باشد. این باید مجازی با واقعیت همسر ما همخوانی ندارد و وقتی محقق نشود، دنبال بهانه می گردیم و مدام سعی می کنیم این خواسته ها را با درگیری، مطرح و به تعبیری، عقده خود را خالی کنیم یا مقدمه طلاق عاطفی را فراهم کنیم. اگر خانم ها و آقایان اطلاعات دریافتی را فیلتر نکنند، زندگی شان را از وضعیت آرامش به وضعیت ناهنجار تبدیل می کنند. ناراحتی ها گاهی بروز پیدا می کند و گاهی نه. اگر بروز پیدا نکنند، به تدریج به سردی و طلاق عاطفی ختم می شود. اما با بروزشان، تا اندازه ای از ناراحتی ها کاسته می شود.